

چهل گام به هنگام برای طراحی آینده

برای طراحی آینده یک سری نگرش ها و قواعدی وجود دارد که رعایت آنها آدمی را به مقصود می رساند. ما انسان ها برای تحول درخویشتن، باید از خود شروع کنیم.



برای طراحی آینده یک سری نگرش ها و قواعدی وجود دارد که رعایت آنها آدمی را به مقصود می رساند. ما انسان ها برای تحول درخویشتن، باید از خود شروع کنیم. انسان به قول «نیچه»؛ چرایی است که با هر چگونه می تواند بسازد. نگرش ها، اصول و فرآیندها، ما را از موج متلاطم به اوج های زیبا می رساند. افق در دست تسخیر انسان است؛ ولی گاهی انسان اسیر و زمین گیر وضع موجود می شود و آن زمانی است که از حرکت بازایستد. انسان آفریده شده است که از سقف ملائک هم رد شود و به لوح، قلم و روح برسد تا به «اجعلک مثلی»؛ جامعه عمل بپوشاند. طراحی دقیق آینده، شما را قادر می سازد تا آینده ای داشته باشید که در صورت عدم طراحی آن، اصلا وجود نمی داشت؛ یعنی به جایی می رسید که درک خواهید کرد شاید آینده ای هم رقم می خورد؛ اما اینها با این طراحی است که این آینده زیبا رقم خورده است. در این نوشتار به صورت مقطع در چهل منزل نظاره گر این حرکت هستیم پس برای طراحی آینده، با هم به سوی آینده، با اهدافی پاینده و روحی زنده و کمال جو سیر می کنیم.

طراحی آینده

گام اول:

زندگی شما تنها زمانی بهتر می شود که خودتان بهتر شوید، (1) بهتر فکر کنید و به افق دور، روشن بینانه بنگرید، این افق را آینده می نامند، آینده را می توان به زمان حال آورد و آن را در ظرف حال مجال رشد داد تا در طول زمان، شاهد رقم خوردن آن باشیم.

گام دوم:

به منظور طراحی آینده، برنامه ریزی آینده لازم است و برای برنامه ریزی آینده، نگرش های زیادی وجود دارد. یکی از پیشگامان افکار نو و راهبردی در آمریکا، به نام راس آکوف (2) در این مورد چهار نگرش را مطرح می سازد. (3)
 1- نگرش انعکاسی؛ (4) یعنی برنامه ریزی براساس تجارب، تصاویر و نتایج گذشته
 2- نگرش غیرفعال؛ (5) همسو شدن با جریان
 3- نگرش انطباقی؛ (6) آماده شدن برای آینده
 4- نگرش با شیوه طراحی (7) یعنی طراحی برای آینده و عملی ساختن آن

گام سوم: طراحی انعکاس آینده

این نگرش بیشتر در میان افرادی اتفاق می افتد که اغلب از آینده وحشت دارند که غالبا به امید رجعت گذشته؛ گذشته های تلایی؛ است وگاهی آینده را نیز با احساسی غریب جست وجو می کنند. این دسته افراد روی برنامه های وضعیت موجود پافشاری می کنند از تغییرات کلی تا حد امکان اجتناب می ورزند.

گام چهارم: برنامه ریزی غیرفعال:

این مفهوم، شامل افرادی است که به دلیل سردرگمی، نیاز به برنامه را احساس نمی کنند و حساب گری را نادیده می گیرند؛ از این رو به سراغ خطرپذیری هم نمی روند.

گام پنجم:

در روش انطباقی که نسبت به دو روش فوق بهتر است، فرد به این صورت عمل می کند که در آغاز سعی می کند دریابد که آینده، چه چیزی را برای او ذخیره کرده، سپس برای آن آماده می شود.

گام ششم:

برنامه ریزی به سبک طراحی آینده، در حقیقت تصمیم گیری و تصمیم سازی است. فردی که نگرش او مطابق طراحی آینده شکل می گیرد، در حقیقت، او بررسی می کند که چه چیز می خواهد انجام پذیرد و سپس آنچه را که باید به وقوع بپیوندد، پشت سر هم عملی می سازد.

گام هفتم:

می توان گفت در روش طراحی آینده، زاویه دید در سطحی وسیع رشد می یابد و همکاری بالا می رود. جان اسکولی می نویسد:

بهترین راه برای پیش بینی آینده، این است که آن را اختراع کنید. شما آن چه را که می خواهید انجام شود، باید در ذهن خود تصور کنید؛ سپس برای اجرای آن اقدام و آن را به واقعیت تبدیل کنید.

گام هشتم:

طراحی دقیق آینده، شما را قادر می سازد تا آینده ای داشته باشید که در صورت عدم طراحی آن، اصلاً وجود نمی داشت؛ یعنی به جایی می رسید که درک خواهید کرد شاید آینده ای هم رقم می خورد؛ اما اینها با این طراحی است که این آینده زیبا رقم خورده است.

تاتو می گوید: (9)

بگذار که ضمیر تو آزادانه و به سادگی سرگردان شود، سپس لذت کشف و طراحی آینده شهود را تجربه کن.

گام نهم:

امروزه حتی بهترین فیلم سازان و کارگردانان ماهر و فاخر هنر هفتم نیز در ارائه فیلم آینده خود طراحی کامل آن را در ذهن می آورند. به اذعان یکی از این بزرگان، وی قبل از کلید زدن فیلم خود با همه نقش ها تعامل دارد، زندگی می کند، بررسی می کند و دیالوگ هایشان را در حالات احساسی، قاطعیت، ناراحتی، خوشحالی و... بررسی و ویرج و تعدیل می کند. بازنویسی های چند باره و مجدد فیلم نامه ها، همه و همه ناشی از بازنگری اثری است که قرار است در آینده ساخته شود.

بیشتر بخوانید: خانه های آینده چه تکنولوژی هایی خواهند داشت

گام دهم:

طراحی آینده بدین معناست که شما به جای این که منتظر باشید آینده شما را پیدا کند، شما را قادر می سازد تا آینده جدید را برای خویش رقم بزنید.

گام یازدهم:

یادگیری، واژه زیبایی است و امروزه به صورت «مادام العمر» مطرح می شود؛ یعنی یادگیری برای تمام طول عمر (10) و استدلال این است که برای موفقیت در شکل دهی آینده خویش، شما باید بنیادی را پایه ریزی کنید که به خوبی و به طور مؤثر و پیوسته در حال یادگیری باشند.

گام دوازدهم:

«جان نایسبیت» (11) در آغاز هزاره سوم می نویسد: در دنیایی که پیوسته در حال تغییر است، هیچ موضوعی و یا هیچ گروه از موضوعاتی که بتواند شما را در پیش بینی آینده کمک کند، وجود ندارد. مگر اینکه آینده را در زمان حال به تصویر بکشید؛ لذا مهم ترین مهارت برای ایمن ماندن از تغییرات، کهنگی و واپس روی، این است که چگونه آموختن را بیاموزید.

گام سیزدهم:

«اوشو» (12) نیز در این باره می نویسد:

خرد از مشاهده گری می آید و نه تنها به مطالعه، بلکه با هشیاری حاصل می گردد؛ لذا انسان هشیار به راحتی می تواند آینده را در ظرف حال ببیند. نگاه انسان باید به شکوه بی نهایتی که زندگی نامه دارد، باز باشد و آن گاه خرد فرا می رسد. خرد انسان، آینه است که بازتاب می کند.

گام چهاردهم:

آینده آمدنی است و خلاقیت ایجاد کردنی؛ اما کافی است که انسان بخواهد. تمام وجود انسان به این بسته است که او توانایی رقم زدن بزرگ ترین تغییرات را دارد؛ ولی در یک کلمه خلاصه می شود؛ اگر بخواهد.

گام پانزدهم:

تفکر خلاق مستلزم برنامه ریزی دقیق و دوراندیشانه است. ما چند گونه تفکر داریم:
الف-وقتی تنها یک راه حل صحیح وجود دارد، تفکر همسو مورد نیاز است.
ب-اگر مقصود تولید یک ایده برای کاهش خسارات است، تفکر غیرهمسو یا خلاقانه مورد نیاز است.
جالب این که هر انسانی تا حدی خلاق است؛ اما فضای مورد نیاز خلاقیت را باید آفرید.

گام شانزدهم:

راهکارهای زیادی برای طراحی آینده وجود دارد؛ یکی این است که تا آن جا که ممکن است، با دیگران مشورت کنید و شکارچی ایده ها باشید.

گام هفدهم:

انسان های پر از ایده، یک پدیده هستند. دور و برما انسان های پرمایه و پر از ایده فراوانند؛ باید آن ها را کشف کنیم. آدم ها سه دسته اند:
رها شده و بی هدف؛
سازگار و تلاش گر؛
بالنده و ایده مند.
فرد سوم، فرد شایسته ای است؛ گرچه از افراد تلاش گر هم می توان ایده گرفت و حتی نوع اول نیز مایه عبرت است. انسان رها شده، یعنی در تخریب خود تسلیم است.

گام هجدهم:

عمر کوتاه است و انسان موجودی است که آرزوها، خواسته ها و ایده های فراوانی دارد و زمانی می تواند شاهد تحقق آنها باشد که به حرکت درآید.

گام نوزدهم:

فراوانند افرادی که با موتورهای خاموش دور و بر ما هستند. ما باید از آن ها عبرت بگیریم؛ فاعتبروا یا اولی الابصار.

گام بیستم:

امروز صحبت از شانزده اصل راهبردی درطراحی آینده است که به ترتیب عبارتند از:

20-1* چشم انداز و بصیرت؛

20-2* هدف؛

20-3* معیار؛

20-4* جهت یابی؛

20-5* حرکت و ریسک؛

20-6* نوآوری؛

20-7* کیفیت بخشی؛

20-8* تحلیل مستمر؛

20-9* بررسی فرآیندی؛

20-10* اصلاح؛

20-11* تغییر؛

20-12* اوج گیری؛

20-13* بازخورد مداوم؛

20-14* حرکت مجدد؛

20-15* اثربخشی و کارایی؛

20-16* بهره وری.

آدمی با چشم انداز(14)و بصیرت دقیق می تواند آینده را به زمان حال متصل کند. انسان بدون افق و چشم انداز، مانند فرودگاه بدون برج مراقبت است.

گام بیست و یکم:

هدف نیز از اصول مهم طراحی آینده است. انسانی بی هدف، را هر اتوبوسی با خود خواهد برد.(15)به قول میگر:«انسان بی هدف، خطر رسیدن به جاهای دیگر را به همراه دارد.»

بیشتر بخوانید: آینده ‌zwnj; را پیش ‌zwnj; بینی ‌zwnj; کنید

گام بیست و دوم:

معیار یا شاخص، بسیار مهم است. ما حتی در رفتارمان نیاز به معیار یا شاخص داریم. بعضی افراد، رفتار و عملکردشان معیار است. در زیارت نامه امیرالمومنین (ع) می خوانیم: «السلام علیک یا میزان الاعمال؛ سلام بر تو ای ترازوی عمل».

گام بیست و سوم:

جهت یابی و حرکت بسیار مهم است. طراحی آینده بدون جهت یابی، حرکت در میدان مین حوادث است؛ گرچه در حرکت، اصل ریسک (16) پذیری هم جریان دارد.

گام بیست و چهارم:

آنتونی گیدنز (17) در کتاب تجدد و تشخیص می نویسد:

«اگر قرار باشد زندگی شما تحول بهتری پیدا کند، لزوماً باید پذیرای حوادث غیر مترقبه باشید. باید از شیار کهنه خود خارج شوید، با مردمان تازه سروکار پیدا کنید، آرا و اندیشه های تازه ای را بکاوید و در راه های ناشناخته به پیش روید».

گام بیست و پنجم:

به تعبیری دیگر، خطرکردن به قصد تعالی خویشتن، مستلزم گام زدن در میان سرزمین هایی ناشناخته است که زبانی متفاوت دارند. تا همه ی چیزهای اطمینان بخش و امنیت ساز را رها نکنیم، هرگز نخواهیم توانست آینده ای را رقم بزنیم.

گام بیست و ششم:

نوآوری، کیفیت بخشی و تحلیل مستمر، سه قاعده مهم حرکت به افق های دور، باز و روشن می باشند. انسان های نوآور پیچیده نیستند؛ بلکه پیچیده می اندیشند؛ چرا؟ چون دنبال کیفیت بهتر هستند و از یک قاعده پیروی می کنند و آن تحلیل مستمر است.

گام بیست و هفتم:

اوشو در کتاب راز می نویسد:

«شخصیت انسان ساخته خود انسان است و معرفت، امری الهی است. انسان آگاه و با شخصیت، بامعرفت خویش زندگی می کند و معرفت او، شخصیت اوست».

روان شناسان می نویسند:

انسان اگر احساس شخصیت بالا و والا داشته باشد، همان گونه می شود. آدمی اگر احساس شخصیت ضعیفی داشته باشد، همان گونه ظاهر می شود و اگر احساس افراطی بی شخصیتی داشته باشد، مساوی عدم است.

گام بیست و هشتم:

بررسی فرایندی نیز از ویژگی یک طرح حرفه ای آینده است. از این رو او از اصلاح (18) غافل نمی شود؛ چرا که مقدمه تغییر، (19) اصلاح است و گاهی در مرحله اصلاح، مسئله حل می شود. آورده اند که:

شخصی راه را بر خواجه بوسعید ابی الخیر بیست و گفت:

- یا شیخ! یار تو در راه افتاده است.

- شیخ گفت: خدای را شکر.

- فرد با پرخاش گفت: چرا خدای را شکر می گویی؟

- شیخ گفت: شکر از آن جهت که یار من از راه نیفتاده است؛ چون در راه افتاده را می توان دوباره بلند کرد تا راه را ادامه دهد؛ اما از راه افتاده، نیاز به وقت زیادتری دارد. این یکی با اصلاح درست می شود و آن دیگری را گاهی نمی توان به راه آورد و تغییر داد.

گام بیست و نهم:

اوج گیری، یعنی پرواز. اصلا انسان برای پریدن آفریده شده است؛ بدون بال و نه برای چریدن، جویدن و در جای خویش دفن شدن. انسان را خدای آفرید تا به اعلی علین برسد. با طراحی، امید، حرکت و پرواز و در یک کلمه با اوج و نه این که اسیر هر موج شود.

گام سی ام:

انسان خالق فرصت هاست نه مالک ثروت ها و می تواند با تلاش مداوم خود، تضادها، بحران ها و چالش ها را در نوردد. هر قدر گسترده زندگی آدمی در پرتو تضادها و تعارض ها فعلیت یابد، قدرت و پختگی انسان برای مواجهه با این تضادها بیشتر می شود.

گام سی و یکم:

حرکت مجدد، بعد از بررسی خرد ورزانه و اندیشمندانه عنصر ذاتی آدمی است. انسان موجودی صرفا عزیز یا صرفا عقیم و بی خاصیت نیست؛ حرکت و بازیافت فرصت ها انسان را رزمنده می کند در کارزار پایان ناپذیری که پیش رو دارد.

گام سی و دوم:

اثر بخشی و کارایی، مساوی بهره وری است و این واژه ها، یعنی فراز رفتن. هنگامی که به انتهای آن چه که باید اوج بگیری و برسی، رسیدی، در ابتدای آن چه باید احساس کنی، خواهی بود و این پرواز دیگری است.

گام سی و سوم:

امروزه یکی از مهم ترین نگرش ها در فراز جویی و فراز روی، رعایت اصل چهار بعدی است که به صورت ساده و روان، یعنی:

بعد اول: داشتن زمینه، یعنی خواستن.

بعد دوم: حرکت با چشم باز، برخاستن.

بعد سوم: اصلاح و تحلیل مداوم، یعنی دریافتن.

بعد چهارم: اوج در فوج و عدم قناعت در تکامل خویشتن، یعنی دل باختن و عشق به تحول و رشد؛ دلباخته هر چیزی غیر از توقف و رکود و دلباخته هر زیبایی و تکامل.

گام سی و چهارم:

در مرحله دل باختگی است که بسیاری از آموزه ها مثل پنجره های حقیقت رخ می نمایند و رویاها محقق می شوند؛ دنیا کوچک می شود و انسان بسی بزرگ و افکارش بسی سترگ.

گام سی و پنجم:

این که چه کسی باشید و در چه موقعیتی قرار داشته باشید، برعهده شخص شماست؛ پس شما نتیجه انتخاب ها، و تصمیم گیری های خودتان هستید.

بیشتر بخوانید: امید به آینده در قرآن

گام سی و ششم:

در این راه، هر اندازه مهارت های خویش را تقویت کنید، مدت زمان وصول به اهداف کاهش می یابد. یکی از مهارت های مهم، تمرکز است. بعضی کارها برای صحت و سرعت نیازمند تمرین تمرکز است.

گام سی و هفتم:

نباید فراموش کنید که این مسأله مهم نیست که در گذشته چقدر اشتباه کرده اید و از کدام وادی آمده اید؛ مهم این است که به کجا می روید؛ گرچه گذشته، معدن تجارت است.

گام سی و هشتم:

نباید فراموش کنید که از امروز به بعد برای طراحی آینده در هر شبانه روز شما 24 ساعت وقت دارید و می توانید آن را هر طور بخواهید، مصرف کنید. به راستی اگر 18 ساعت مال شما باشد که بخواهید ورزش کنید، تفریح کنید، غذا بخورید

به کلاس بروید و...؛ اما 6 ساعت آن را برای رشد و بالندگی خرج کنید که هر هفته 42 ساعت می شود. آیا در هفته 42 ساعت وقت کیفی، برای جهانی شدن کافی نیست؟

گام سی و نهم:

بارها گفتیم که جوان، یعنی جهان و جوانی را تا مرز 40 سالگی معرفی می کنند. گرچه بعضی تا مرز 80 سالگی هم جوانند و سرزنده لذا دانستن ارزش زمان، امری واجب است. توانستن در گرو دانستن است و دانستن را در اذهان مختلف می توان دید و قانون توانایی می گوید: همیشه برای انجام ضروری ترین کارها، وقت کافی وجود دارد؛ مهم آن است که آن را قدر بدانیم.

گام چهلیم:

مهم تر از همه آن است که برای طراحی آینده، باید خودمان را تغییر دهیم. خداوند می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ خداوند هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد؛ مگر این که آنان خود را تغییر دهند.»؛ بسیاری از عادت هایمان را باید تغییر دهیم. بسیاری از عادت هایمان را باید ایجاد کنیم. بسیاری از عادت هایمان را باید تعدیل کنیم. آدمی همواره در حرکت است؛ حتی اگر ساکن باشد که سکون انسان مرگ اوست. انسان بدون آینده، غیر پاینده است و بالنده نخواهد شد.

پی نوشت ها :

1-تریسی، برایان(1381)مدیریت زمان، ترجمه اشرف رحمانی، کورش طارمی، تهران: راشین، ص34.

2- Russ Ackoff(1981)

3- Ackof, Russ (1981) Creating the Corporate Future, Newyork

4-Reactive

5-Inactive

6-Preactive

7-Proactiove

8-Disicio taking & Disicio -making

9-تسه، تائوته چنیگ(1379)، یادداشت ها، ترجمه امیرحسین قائمی وایوب کوشا.

10-Long Life Learning

11-gohin Naisbitt

12-کریمی، عبدالعظیم (1381)یادداشت های ممنوعه، برداشت های وارونه، تهران: جامعه نو.

13-Bare Giles & Coleman, ron (2003) Way To be a better vsa. warner book

14-vision

15-کریمی، عبدالعظیم، همان ص116.

16-Risk

17-گیدنز، آنتونی(1380)تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر وموفقیان، ص 116.

18-Re Forne

19-Change

منبع: حسین، خنیفر، (1348)، جوان در آینه جهان (مهارت های مدیریت بر خویشتن در عصر تغییر)، تهران: موسسه نشر شهر، چاپ اول 1389.

نویسنده :حسین خنیفر